

رویکرد محلی‌گرایی در معماری روستاهای ایران

محسن سرتیپی پور*، دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۱۲/۱۱

دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۰/۰۲

چکیده

استقرار و برپا نمودن سکونتگاه‌ها در طول تاریخ از طریق برقراری و تعامل سازنده انسان با محیط شکل گرفته و فراز و فرود شهرها و روستاها در طول تاریخ متأثر از میزان عمل نمودن به چنین تعامل و ارتباطی بوده است. روستاهای ایران از مهمترین مصداق‌های ارتباط سازنده و منطقی انسان و محیط محسوب می‌شوند که سکونت‌گزینی بخش قابل توجهی از جمعیت کشور در آن‌ها شاهدی بر این موفقیت بوده است. سکونت حدود ۷۰٪ جمعیت کشور در روستاها در سال ۱۳۳۵ مویید این ارتباط است و وجه مشخصه محیطی مکانی شمار بسیاری از شهرهای امروز که روستاهای گذشته بوده‌اند شاهد دیگری بر این ویژگی است.

مروری بر معماری و بافت سکونتگاهی روستاهای ایران تا قبل از دوران معاصر مویید ویژگی‌هایی از پایداری مکانی است که تأمل در آن می‌تواند به حل برخی مشکلات سکونتگاهی که امروزه مبتلا به معماری، شهرسازی و روستاسازی است کمک نماید. مقاله پیش روی بر این بنیان استوار است که کالبد روستا متأثر از حکمت محیط و مکان، با ماهیتی جامع و چندبعدی، اجزاء به هم پیوسته و مرتبطی است که مسکن و بافت از پیوند و همبستگی و تعامل منطقی و هدفمند آنها شکل می‌گیرد. تحقیق حاضر با هدف شناخت و تحلیل عنصرهای محلی در معماری مسکن روستایی، با استفاده از مطالعات و سوابق موجود، بر تشابهات و تباین‌های تاریخی و موجود مسکن روستایی در مناطق مختلف کشور تأکید دارد. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است و داده‌ها از طریق مستندات کتابخانه‌ای و آمارهای رسمی تهیه شده است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که نخست مسکن بومی روستایی ایران دارای چهار الگوی کلی با تفاوت‌های مشخص است. سپس استان‌های گیلان، مازندران، همدان و یزد در زمینه وجه کالبدی مسکن روستایی از سطح بالاتری نسبت به سایر استان‌ها برخوردارند و در نهایت مسکن روستایی استان‌های یزد، اصفهان و تهران از امکانات رفاهی و آسایشی بیشتر برخوردارند و مسکن روستایی استان سیستان و بلوچستان در مجموع سخت‌ترین شرایط را دارند. واژه‌های کلیدی: ایران، روستا، مسکن، مسکن روستایی، محلی‌گرایی.

(۱) مقدمه

بحران مکان را می‌توان بارزترین مشکل معماری و شهرسازی دوران معاصر دانست. بحرانی که در ایجاد فضاهای فاقد هویت، تاریخ و ارتباط تبلور یافته است. رویکرد عملکردگرا و کاربردی، مکان را به عنوان یک "موقعیت" واقعی که دارای هویت خاص خود است به مرور به فراموشی سپرده و موجب ایجاد فضای بدون مکان و تاریخ شده است (پرتوی، ۱۳۸۲). این در حالی است که با افزایش حجم دخالت‌های کالبدی در بافت شهرها و روستاها و اقداماتی که به منظور تامین مسکن و سرپناه صورت می‌گیرد و با افزایش جمعیت طی دهه‌های اخیر این بحران سرعت بیشتری به خود گرفته است. براساس اطلاعات سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ بالغ بر ۲۲ میلیون نفر از جمعیت ۷۰ میلیونی ایران ساکن روستاها هستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). طبق همین آمار از مجموع ۱۴/۹ میلیون خانوار ایرانی، ۵/۰۹۶ میلیون خانوار روستائی است که در ۴/۴۲ میلیون واحد مسکونی زندگی می‌کنند (وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۵). فرسودگی کالبد خانه، آسیب‌پذیری در برابر سوانح، و کاستی‌هایی مانند تداخل فضاهای زیستی و معیشتی که معمولاً غیر بهداشتی شدن و آلودگی محیط مسکونی را بدنبال می‌آورد، از مهمترین مشکلات موجود در حوزه مسکن روستائی است که معمولاً توسط متخصصان و کارشناسان اعلام می‌شود. وجود چنین معضلاتی باعث شده تا تأمین مسکن از دغدغه‌های دولت شده و اقدامات گسترده‌ای در این زمینه انجام گیرد. به طوریکه مطابق قانون برنامه چهارم و پنجم توسعه اجتماعی اقتصادی و فرهنگی ایران دولت موظف به حمایت از احداث و نوسازی سالانه ۲۰۰/۰۰۰ واحد مسکونی روستائی شده است (بنیاد مسکن، ۱۳۸۴).

در حالیکه مسکن به عنوان عمده‌ترین عنصر تشکیل دهنده بافت‌های روستائی؛ بیانگر کیفیت استفاده از مکان و محیط، و تأثیر اقتصاد و معیشت، سنت‌ها و هنجارهای حاکم بر جوامع روستائی است و موفقیت در این زمینه در گرو شناخت کیفیت مذکور است، مشاهدات نشان می‌دهد برخی از وجوه مذکور در مرحله طراحی و ساخت مورد غفلت قرار می‌گیرد (سرتیپی پور، ۱۳۸۸). علی‌رغم اینکه توجه به نیازها و فعالیت‌هایی که درون خانه انجام می‌شود، از بدیهی‌ترین مسائل طراحی است و به عنوان مثال بسیاری از معماران در طراحی مسکن طبقات معمولی شهری پیش بینی اتاق کار،

مطالعه و موارد مشابه را به مشتری تحمیل می‌نمایند. همان افراد هنگامی که در مقام طراحی برای مسکن روستایی قرار می‌گیرند بسیاری از نیازهای زندگی روستایی از جمله فعالیت‌های مولد و نقش تولیدی مسکن را نادیده می‌گیرند. از سوی دیگر با توجه به اینکه این نوع مسکن ماهیتی پاسخده به نیازهای روستائیان داشته، دخالت در سازمان فضایی، شکل و طرح، و تحول آن مستلزم شناخت آگاهانه تمام ابعاد مؤثر بر شکل‌گیری معماری روستایی از جمله مکان است. از منظر معماری کمک به حضور و بودن انسان در محیط هدفی اصلی است و ساخت و احداث شهر، روستا و بناهایی که صرفاً بر اساس عرضه و تقاضا تهیه می‌شود نمی‌تواند این هدف را برآورد نماید. معماری زمانی ایجاد می‌شود که محیطی کامل و فراگیر قابل رویت باشد و چنین تعریفی از معماری به معنای توجه به تمامی مؤلفه‌های استقرار و عینیت‌بخشی به روح زندگی روستایی در مکان است. توجه به این اصل در معماری روستایی که هنوز انسانی‌تر و وابستگی‌اش به مکان بیشتر است به مراتب ضروری‌تر احساس می‌شود.

۲) روش شناسی تحقیق

تأمین مسکن مناسب و متناسب با نیازهای جامعه روستایی از مسائل مهم در برنامه‌ریزی و توسعه سکونتگاه‌های کوچک است که جستجو در زمینه‌های نظری آن اهمیت بسیاری دارد. این مقاله با استناد به گذشته تاریخی روستاها و مسکن روستایی در ایران و برخی شاخص‌های موجود، تقرب به تأمین مسکن مناسب را از طریق محلی‌گرایی جستجو می‌نماید و برای این منظور وجوه تشابه و تفاوت تاریخی و کنونی مسکن در مناطق مختلف کشور را مورد توجه قرار داده است. منابع اصلی این مقاله مبتنی بر مطالعات مکتوب و کتابخانه‌ای؛ شاخص‌های نمونه‌گیری و ویژگی‌های مسکن روستایی سال ۸۲؛ و مشاهدات میدانی است که به صورت توصیفی-تحلیلی بررسی و به نتیجه‌گیری رسیده است.

۳) مسکن روستایی ایران در گذشته

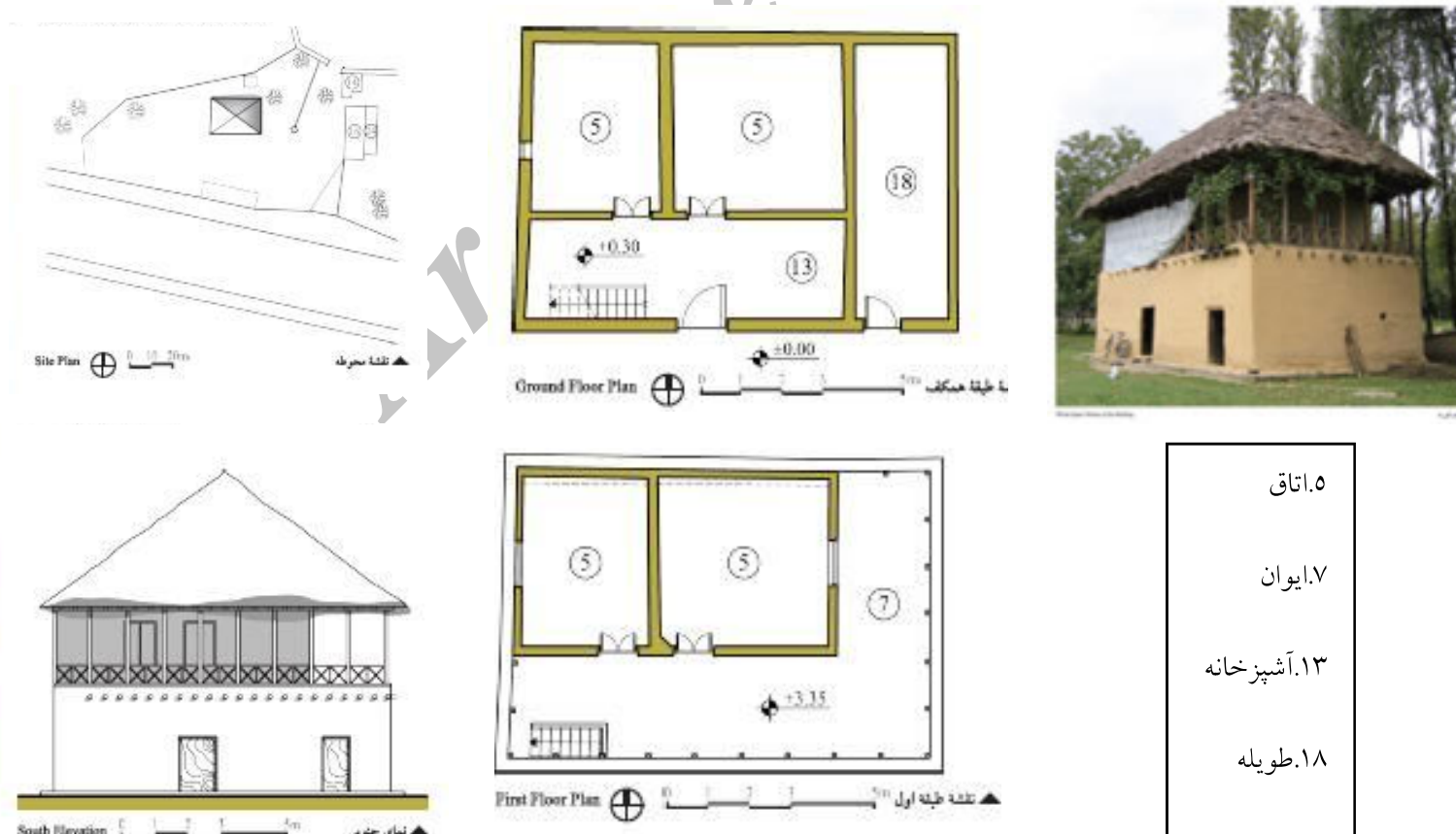
فضای زندگی به صورت الگویی از پیش تعیین شده در جهان ایده‌آل‌ها و آرمان‌های انسانی است و انسان در طول تاریخ حیات خود همواره در تلاش برای حرکت به سوی آن بوده است. مطالعه گذشته نه تنها دارای ارزش فلسفی است، بلکه بررسی آن به شناخت و روشن نمودن پیچیدگی‌ها و پوشیدگی‌های تفکر جریان‌های اجتماعی و

فرهنگی و اعمال و باورهای انسانی و نیز شناخت موقعیت‌ها، اشیاء و ... می‌گردد (Rapoport, 2005). نگاهی جامع و کل‌نگر به مسکن روستایی نشان می‌دهد مسکن پدیده‌ای اجتماعی فرهنگی، اقتصادی و مکانی کالبدی است که با هدف فراهم کردن شرایط مناسب زیست و زندگی بر پا می‌شود.

مطالعه تاریخ و پیدایش و شکل‌گیری مسکن در ایران نشان از قدمت و پیشینه بسیار کهن دارد که ریشه‌های آن را در تاریخ شکل‌گیری و پیدایش روستاهای این سرزمین باید جستجو نمود. روستاها اولین سکونتگاه‌های دائم در ایران بوده‌اند که شواهد آن در دامنه کوه‌های زاگرس در غرب ایران (نواحی شمال خوزستان)، کوهپایه‌های البرز و نواحی مرکزی، جنوب و شرق ایران مشاهده شده است. با شکل‌گیری اولین سکونتگاه‌های دائم و رواج کشاورزی، تحولات قابل توجهی در روند معیشتی و اجتماعی اتفاق افتاد و از همان هنگام تأثیر معیشت کشاورزی و دامداری به عنوان منبعی برای تامین خوراک و پوشاک و استفاده از نیرو و انرژی دام‌ها و حیوانات؛ در شکل و ساخت مسکن و سکونتگاه وجود داشته است.

مروری اجمالی به ویژگی‌های عام معماری روستایی ایران بیانگر تجلی شیوه‌های زیستی، معیشتی، ویژگی‌های مکانی، و عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در آن است. در این محیط فضای لازم برای کار و زندگی، فضای نگهداری ابزارآلات کشاورزی و باغداری و تولیدات آنها، پرورش و نگهداری دام و ... مهیا می‌شود و به همین دلیل مسکن از الگوهای متنوعی برخوردار می‌شود. در تمامی این الگوها توجه به مکان و استفاده از امکانات و محدودیت‌هایی که در طبیعت وجود دارد قابل مشاهده است. واحدهای مسکونی به مدد نظام اجتماعی اقتصادی و جغرافیایی خاص که ساخته و پرداخته آزمون و خطاهای مکرر در طول زمان بوده برخاسته از بستر مکان در بافت‌های متراکم یا غیر متراکم، و با پلان‌های معماری منظم، یا نامنظم و به ظاهر بی‌قاعده در سراسر ایران ملاحظه می‌شود. شناخت و مراقبت از الگوهای متنوع و به یادگار مانده مسکن و بافت با ارزش در روستاهای ایران ضروری است (بیانیه پایانی اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های روستایی، ۱۳۹۰: بیست و یک).

بررسی مسکن بومی روستایی ایران مؤید وجود چهار الگوی کلی با تفاوت‌هایی کاملاً متمایز شامل الف) مناطق شمالی در حاشیه دریای خزر، ب) کوهپایه‌های البرز و زاگرس؛ ج) حاشیه کویر و د) حاشیه خلیج فارس و دریای عمان در جنوب کشور است. الف) مناطق شمالی ایران در حاشیه دریای خزر با آب و هوایی معتدل و مرطوب به دلیل فراوانی باران و خاک مناسب کشت و زرع روستاها بافتی پراکنده دارند. در این مناطق مساحت قطعات مسکونی نسبتاً زیاد است و فضای مسکونی اغلب با درختان مرکبات محصور می‌شود. از گذشته‌های دور اقتصاد منطقه و معیشت این نواحی متکی به کشاورزی، باغداری، کشت برنج و ماهیگیری بوده است (تصویر ۱). در گذشته‌ای نه چندان دور خانه‌ها از مصالح چوبی ساخته و با اندودی از کاه گل پوشیده می‌شد. پوشش سقف خانه‌ها معمولاً از سفال، ساقه‌های برنج یا نی بوده است. جنگل‌های انبوه شمال در حاشیه دریای خزر و مناطق کوهستانی چوب مورد نیاز مسکن را تأمین می‌کرد. سقف‌ها؛ ستون‌ها و در مواردی دیوارها و فوندانسیون خانه‌ها از چوب ساخته می‌شد و در جاهایی که رطوبت زمین زیاد است کف ساختمان از سطح زمین بالاتر قرار می‌گرفت (زرگر، ۱۳۷۶).



شکل (۱): مناطق شمالی ایران حاشیه خزر، خانه بردبار، ماکلون، فومن، گیلان، خانه‌های روستایی ایران، ۱۳۸۹

ب) دامنه کوه‌ها و کوهپایه‌های سلسله جبال البرز و زاگرس محل استقرار اکثر شهرها و روستاهای ایران است. خانه‌های این مناطق اغلب دو طبقه و اکثراً دارای فضایی برای پذیرایی میهمان است که موقعیت بهتری نسبت به سایر فضاها دارد و ورودی آن مستقل از دیگر اتاق‌ها است (تصویر ۲). فضای میهمانخانه در خانه‌های دو طبقه با چندین بازشو برای نورگیری و برخورداری از چشم‌انداز مناسب در بالاترین طبقه قرار می‌گیرد. در این خانه‌ها طبقه پایین به فضای نگهداری دام‌ها، اصطبل، انباری و مطبخ و طبقه بالا به فضاهای زیستی مانند نشیمن و میهمانخانه اختصاص دارد.



۱. ورودی، ۴. دالان، ۵. اتاق، ۷. ایوان، ۸. راهرو، ۱۳. آشپزخانه، ۱۴. دستشویی، ۱۵. حمام، ۱۶. انبار، ۱۷. دستشویی، ۱۸. طویله

شکل (۲): کوهپایه‌های زاگرس، خانه بهمنی، کرآباد، سروآباد کردستان، خانه‌های روستایی ایران، ۱۳۸۹

ج) مرکز ایران منطقه‌ای کویری با طبیعتی خشن با میانگین بارش کمتر از ۲۰۰ میلیمتر در سال است که زندگی در آن فقط در کنار مظهر قنوات و چشمه‌ها امکان‌پذیر است. قنات سیستمی پایدار از استحصال آب زیرزمینی و ابتکاری اصیل از ایرانیان است که آب‌های زیرزمینی را به ملایمت به روی زمین منتقل می‌نماید و جریان آب را برای صدها و هزاران سال برقرار ساخته است. کمبود آب در منطقه، قنات را به عنصری ارزشمند مبدل نموده به طوریکه ذره‌ای از آب آن تلف نمی‌شود. چنانچه میزان آب کم باشد ابتدا آن را وارد حوضچه یا استخر می‌کنند و سپس به سوی مزارع یا باغات هدایت

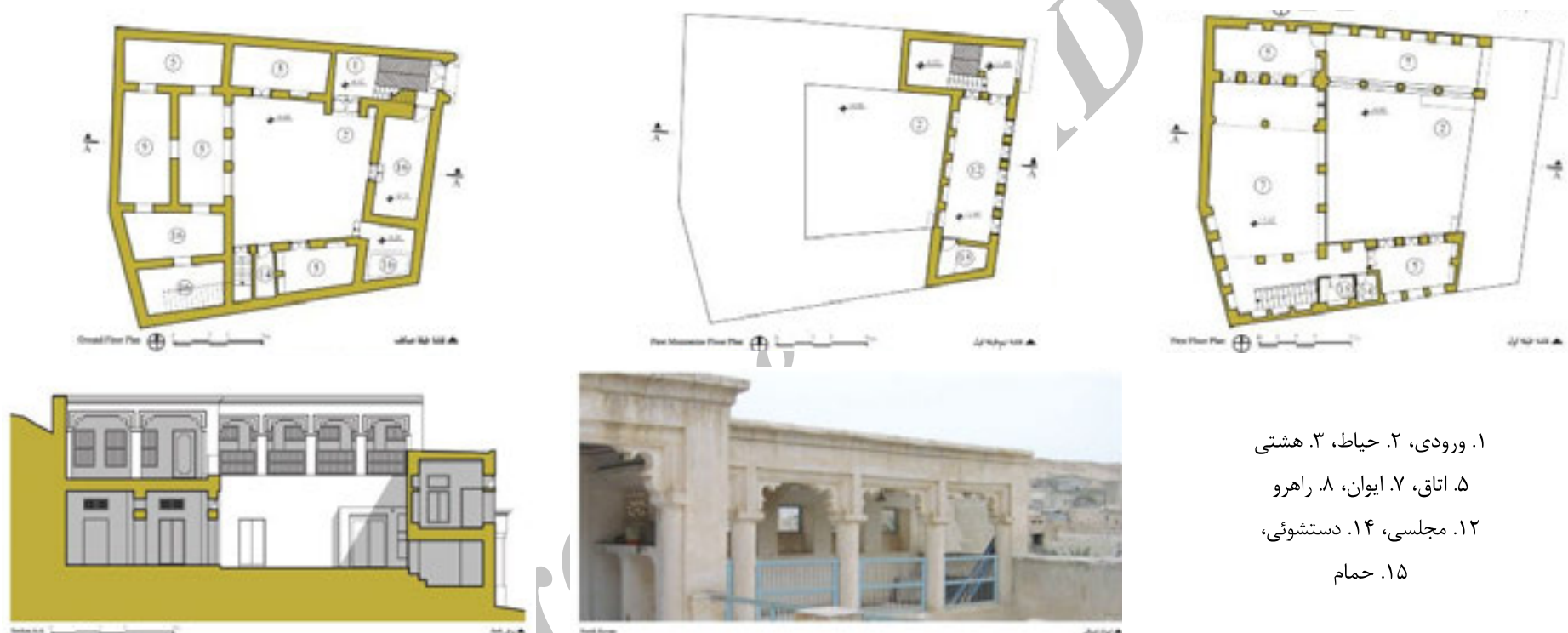
می‌کنند. وسعت روستاها و میزان جمعیت آنها در این مناطق بر اساس میزان آب آنها تعیین می‌شود (زرگر، ۱۳۷۶).

اساس معماری مناطق کویری ایران خشت و گل است. روستاها با بافت متراکم و خانه‌ها در کنار هم قرار می‌گیرند و استفاده از خشت که ماده‌ای با مقاومت حرارتی مناسب است امکان مقابله با گرمای شدید تابستان را میسر می‌نماید. خانه‌ها درون‌گرا با حیاطی در مرکز هستند (الگوی حیاط مرکزی) تا ضمن حفاظت فضاهای درون از طبیعت خشن و بادهای گرم این مناطق فضای باز مناسبی برای ساکنین فراهم کنند. اتاق‌ها واحدهای مجزایی هستند که ورودی آنها به سوی حیاط باز می‌شود (تصویر ۳). در هماهنگی کامل با ویژگی‌های مکانی و تغییر فصول و ایجاد شرایط آسایش در درون خانه جابجایی‌هایی از فضاهای رو به آفتاب (زمستان نشین)، به فضاهای پشت به آفتاب و سایه‌گیر برای زندگی در تابستان صورت می‌گیرد و اهل خانه در طبقات بالا، پایین و ایوان‌های شمالی و جنوبی جابجا می‌شوند.



شکل (۳): مناطق حاشیه کویر ایران، خانه مهدوی، تیکدر، زرنده، کرمان، خانه‌های روستایی ایران، ۱۳۸۹
 (د) نوع دیگر از معماری روستایی در حاشیه خلیج فارس و دریای عمان (جنوب ایران) است که اهالی آن اغلب به ماهیگیری، پرورش نخیلات، تجارت، و حمل و نقل کالا به کشورهای حوزه خلیج فارس اشتغال داشته‌اند. هوای گرم و مرطوب خلیج فارس و کمبود منابع آب شیرین مهمترین ویژگی مکانی این منطقه است که الگوی خاصی از

استقرار با ظاهری متفاوت از دیگر مناطق ایران را بوجود آورده است. به منظور تسهیل جریان طبیعی هوا و کاهش رطوبت نسبی، روستاها بافتی پراکنده دارند تا نسیم‌های ساحلی به راحتی در محیط جریان پیدا کند. این مسئله بر معماری خانه نیز تأثیر گذاشته و خانه‌ها نیز به گونه‌ای ساخته می‌شوند که این شرایط در خانه برقرار شود. به همین دلیل پنجره‌ها مقابل هم قرار می‌گیرند تا از طریق جریان هوا شرایط آسایش در فراهم شود (تصویر ۴). به منظور استفاده از نسیم‌های دریایی و ساحلی اکثر خانه‌ها دارای بادگیر هستند. رنگ خانه‌ها به منظور کاهش جذب انرژی خورشید و انعکاس تابش، سفید و حجم آنها به گونه‌ای طراحی می‌شود که با ایجاد سایه و روشن دیوارها در معرض مستقیم تابش قرار نگیرند.



تصویر ۴. حاشیه خلیج فارس، خانه ابن احمد، کهن‌تویه، بستک، هرمزگان، خانه‌های روستایی ایران، ۱۳۸۹

در تمامی گونه‌های فوق واحدهای مسکونی روستایی ضمن سادگی و بی‌پیرایگی از معماری متناسب با ویژگی‌های مکانی و عملکرد زیستی، معیشتی برخوردار بوده‌اند و معماری هر منطقه با الگوهای بصری و زیبایی‌شناختی، مصالح و دانش بومی خاص خود از دیگر مناطق متمایز می‌شود. در بررسی تمامی مصداق‌ها و ویژگی‌های فوق تأکید بر حفظ ویژگی‌ها و خصوصیات خاص مکان مشاهده می‌شود.

۴) مسکن روستایی ایران در دوران معاصر

مسکن روستایی در دهه اخیر تحولات گوناگونی را پشت سر گذاشته است. اگرچه نظام مدیریت، کنترل و نظارت ساخت و ساز در روستاها دارای مشکلاتی است (آخوندی

و طاهرخانی، ۱۳۹۰: ۱) و احساس تعاون و همکاری‌های مشترک در بین روستائیان رو به کاهش است (رشیدپور و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۳۵)، ایجاد فرصت‌های پیشرفت پایدار در مناطق روستایی امری اجتناب ناپذیر و از مزایای تأکید بر دولت الکترونیک است (شفیعی و دستجردی، ۱۳۹۰: ۱۵۶). با این حال، داده‌های عمومی در خصوص مسکن روستایی به صورت تخصصی به طرح نمونه‌گیری از مسکن روستایی وابسته است. طرح نمونه‌گیری از ویژگی‌های مسکن روستایی سال ۸۲ که برای اولین بار در تاریخ برنامه-ریزی مسکن ایران انجام شد، جامعه‌ای آماری متشکل از ۲۱۱۸ روستای نمونه و ۴۶۴۱۳ واحد مسکونی روستایی در سطح کشور (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲) را شامل می‌شود. در طرح ارزیابی و تحلیل داده‌های نمونه‌گیری سال ۸۲، وضعیت موجود مسکن روستایی ایران در چهار بعد کالبدی، اقتصاد و معیشت، برخورداری از امکانات آسایشی و انرژی و محیط زیست مورد بررسی قرار گرفت. در این ارزیابی وضعیت مسکن روستایی استان‌های کشور در مقایسه با یکدیگر در ۴ سطح مناسب (درجه ۱)، قابل قبول (درجه ۲)، کمتر از متوسط (درجه ۳)، و ضعیف (درجه ۴) درجه‌بندی شدند که نتایج ذیل را در بر داشت:

وجه کالبدی مسکن روستایی

این وجه از مسکن ویژگی‌های فیزیکی آن را از طریق نمایه‌های "استحکام" شامل نوع پی و میزان دوام پی، سقف، دیوار و مانند آن که پایداری بنا متکی به آن است، و نمایه "میزان برخورداری از فضاهای مسکن" نظیر اتاق‌ها، طبقات و زیر بنا بررسی می‌نماید (سرتیپی پور، ۱۳۸۸) (جدول ۱).

جدول (۱): وجه کالبدی مسکن

درجه	تعداد استانها	نام استان
درجه اول	۴	گیلان، همدان، مازندران، یزد
درجه دوم	۹	تهران، قزوین، اصفهان، مرکزی، لرستان، ایلام، فارس، چهارمحال و بختیاری، اردبیل
درجه سوم	۱۴	بوشهر، آذربایجان شرقی، قم، کهگیلویه و بویراحمد، آذربایجان غربی، زنجان، گلستان، کرمانشاه، هرمزگان، خراسان، سمنان، خوزستان، کرمان، کردستان
درجه چهارم	۱	سیستان و بلوچستان

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۱.

نتیجه ارزیابی وجه کالبدی مسکن روستایی ایران نشان داد که ۴ استان کشور در سطح اول، ۹ استان در سطح دوم، ۱۴ استان در سطح سوم و ۱ استان در سطح چهارم قرار گرفته‌اند.

وجه اقتصاد و معیشت مسکن روستایی

اگرچه شرایط نامطلوب اقتصادی و ناتوانی مالی روستائیان ضرورت استفاده از اعتبارات را در محیط‌های روستایی ایجاد می‌کند (بخشی، ۱۳۹۰: ۱۳)، با این حال، همراه با تحولات اقتصاد کشور و دگرگونی در روابط اقتصاد شهر و روستا، چهره مسکن روستایی نیز دگرگون شده است (رفیعی، ۱۳۹۰: ۱۱۳). به علاوه، سهم مسکن روستایی از کل سرمایه‌گذاری‌های ساخت مسکن در کشور در نیمه نخست دهه ۱۳۸۰، بین ۹ تا ۱۰ درصد و در نیمه دوم همین دهه افزایش چشم‌گیری یافته است (همان: ۱۲۸) و هم از این رو اگرچه جنبه اقتصادی مسکن روستایی جنبه مهم به شمار می‌رود (سینگ، ۱۳۹۰: ۱۴۰)، تصویر از مسکن روستایی همانند ساختمان‌های مسکونی شهری قیاس مع‌الفارقی است (صابری‌فر و قیصاری، ۱۳۹۰: ۱۵۹). اثرات اقتصادی سرمایه‌گذاری در بخش مسکن روستایی و ترکیب معیشت و فضای زیست در این خانه‌ها از موضوعات مهمی است که بدون پرداختن به آن تصویری جامع از وضعیت مسکن روستایی ارائه نمی‌شود. اساسی‌ترین تفاوت مسکن روستایی با شهری، آمیختگی تولید و معیشت روستایی با فعالیت‌های روزانه زندگی در مسکن است. فضای مسکن روستایی ضمن برآورده نمودن نیازهای زیستی، فضایی مولد است که در خدمت تولید است. تجلی کالبدی فعالیت‌های تولیدی در این نوع مسکن و رابطه متقابل فعالیت‌های زیست و معیشت در زندگی روستایی به شکل‌گیری فضاها با عملکرد معیشتی؛ یا عملکرد مختلط زیستی و معیشتی، که معماری آن متمایز از فضاها زیستی است منجر می‌شود.

تلاش برای طراحی مسکن مناسب روستایی بدون توجه به این بعد، تلاشی نافرجام خواهد بود. از منظر اقتصادی میزان سرمایه‌گذاری ملی در مسکن روستایی در صورت هدایت درست ضمن تأثیر بر نرخ اشتغال روستایی و بازار عرضه و تقاضای زمین، مصالح و مسکن بر کمیت و کیفیت توسعه و عمران روستایی و کاهش فاصله بین شهر و روستا مؤثر است. هر چند بررسی اقتصادی گسترده در این زمینه مستلزم وجود داده‌ها و

شاخص‌های دقیق اقتصادی است که در نمونه‌گیری سال ۸۲ وجود نداشت. اما سعی گردید با اتکاء به شاخص‌های بانک مرکزی و مرکز آمار ایران به این بعد مسکن توجه شود (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۹). وجه اقتصاد و معیشت مسکن روستایی با پنج نمایه معیشت در مسکن، میزان استحکام و بهداشت فضاهای معیشتی، استطاعت تأمین هزینه‌های مسکن، رونق بازار زمین و مسکن، و بهره‌وری و کارایی مورد بررسی قرار گرفت. نمایه نقش معیشت در مسکن با شاخص‌هایی نظیر فضاهای معیشتی و میزان سطوح آنها مورد ارزیابی قرار گرفت. هر چه سطح و سرانه‌های این نمایه در مسکن بیشتر باشد فعالیت‌های معیشتی و اقتصادی نقش تعیین کننده‌تری در واحد مسکونی داشته است. نمایه دیگر وضعیت میزان استحکام و بهداشت فضاهای مذکور است که هر چه وضعیت مطلوب‌تری داشته باشد زمینه ساز امکان بهتر فعالیت معیشتی در واحد مسکونی است.

سه نمایه استطاعت تأمین هزینه‌های مسکن، میزان رونق بازار زمین و مسکن، و بهره‌وری و کارایی، نیز برای تعیین اثرات مسکن بر توسعه اقتصادی مورد ارزیابی قرار گرفت (سرتیپی پور، ۱۳۸۸).

جدول (۲) : وجه اقتصاد مسکن

درجه	تعداد استانها	نام استان
درجه اول	۶	تهران، قزوین، همدان، زنجان، آذربایجان شرقی، ایلام
درجه دوم	۱۰	لرستان، مرکزی، یزد، گلستان، اصفهان، گیلان، مازندران، آذربایجان غربی، چهارمحال و بختیاری، خراسان
درجه سوم	۹	اردبیل، خوزستان، کرمانشاه، بوشهر، کهگیلویه و بویر احمد، کردستان، فارس، سمنان، قم
درجه چهارم	۳	هرمزگان، سیستان و بلوچستان، کرمان

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۱.

نتیجه مقایسه نسبی استان‌ها نشان داد ۶ استان در سطح اول، ۱۰ استان در سطح دوم، ۹ استان در سطح سوم و ۳ استان در سطح چهارم قرار می‌گیرند (جدول ۲).

وجه برخورداری مسکن از امکانات رفاهی و آسایشی

واحدهای مسکونی خانواده‌ای سنتی روستایی از یک سو تحت تأثیر اقلیم و شرایط محیط طبیعی است و از سوی دیگر با الگوی معیشت خانواده ارتباط دارد (ضرابی و پریزادی، ۱۳۹۰: ۱۷۵). ماهیت چند بخشی - کارکردی مفهوم حوزه‌های فضایی، نیازمند ظرفیت‌سازی محلی برای تعداد زیادی از فعالیت‌های مرتبط و متقابل در هر یک

از سکونتگاه‌ها است (افراخته، ۱۳۹۱: ۴۴). مبتنی بر این امر، فراهم نمودن خدمات و امکانات در روستاها نباید به عنوان هدف عمده مدنظر قرار گیرد. با این وصف، برخورداری جوامع روستایی از امکانات و خدمات رفاهی زیربنایی از ارکان مهم توسعه و عمران و رفاه است که با هدف توزیع متناسب و متعادل امکانات زیست و زندگی و با هدف کاهش نابرابری‌های اجتماعی دنبال می‌شود. در دهه‌های اخیر ایجاد تأسیسات زیربنایی و ارائه خدمات بهداشتی درمانی، فرهنگی شالوده‌فکری و عملی بسیاری از برنامه‌های عمرانی بوده به طوری‌که توزیع عادلانه این امکانات و افزایش میزان برخورداری روستائیان از خدمات مذکور از مهمترین اهداف عمران روستایی طی سال‌های اخیر بوده است.

برای این منظور دو سطح از برخورداری در مسکن اول به واسطه اینکه مسکن بستر زندگی است و دوم اینکه آبادی بستر قرارگیری مسکن است و محیط را شکل می‌دهد توسط مجموعه‌ای از شاخص‌ها مانند فضاهای آموزشی و بهداشتی، درمانی، تجاری و ... و آب لوله‌کشی، برق، تلفن، سیستم دفع فاضلاب مناسب، در واحد مسکونی و برخورداری روستا از خدماتی ارزیابی گردید.

جدول (۳): وجه برخورداری مسکن

درجه	تعداد استانها	نام استان
درجه اول	۳	یزد، اصفهان، تهران
درجه دوم	۱۲	همدان، مرکزی، چهارمحال و بختیاری، بوشهر، سمنان، قزوین، مازندران، آذربایجان غربی، زنجان، خراسان، فارس، آذربایجان شرقی
درجه سوم	۸	گلستان، هرمزگان، ایلام، کردستان، خوزستان، اردبیل، قم، کرمان
درجه چهارم	۵	لرستان، کهگیلویه و بویراحمد، گیلان، کرمانشاه، سیستان و بلوچستان

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۱.

بر اساس نتایج بررسی شده در این بعد سه استان کشور در سطح اول، دوازده استان در سطح دوم، هشت استان در سطح سوم و پنج استان در سطح چهارم قرار می‌گیرند. (جدول ۳).

وجه زیست محیطی مسکن

امروزه تأیید اقدامات و فعالیت‌های توسعه مشروط به لحاظ نمودن اهمیت مکان و حفظ محیط زیست و پیشگیری از آلودگی‌های محیطی و تخریب و تغییر کاربری باغات و زمین‌های کشاورزی است و محیط زیست به عنوان یکی از مهمترین معیارهای تعیین

میزان توسعه‌یافتگی جوامع محسوب می‌شود. با توجه به اثراتی که فعالیت‌های ساختمانی و عمرانی بر طبیعت و محیط زیست روستایی دارد بررسی مسکن از این وجه ضروری بوده است. وجه زیست محیطی مسکن از طریق دو نمایه میزان تأثیر واحدهای مسکونی در تخریب زیست بوم و میزان انطباق و هماهنگی مسکن با طبیعت و محیط زیست مورد بررسی و سنجش قرار گرفت (سرتیپی پور، ۱۳۸۸).

نمایه میزان تأثیر واحدهای مسکونی روستایی در تخریب زیست بوم از طریق تولید زباله و مواد زاید، آلودگی هوا و تخریب منابع طبیعی و نمایه میزان انطباق با محیط زیست و طبیعت نیز توسط شاخص‌های تأثیر معماری واحد مسکونی در صرفه‌جویی انرژی، تأثیر بافت در صرفه‌جویی انرژی و میزان کاربرد مصالح بومی تعیین گردیده است. ابتدا اثرات دفع نامناسب زباله و فاضلاب سبک و سنگین، آلودگی و تخریب زمین‌های کشاورزی و باغات یا منابع طبیعی و آسیب‌هایی که از این طریق بر محیط طبیعی روستا وارد می‌شود مورد ارزیابی قرار گرفت. سپس اثرات تعامل و هماهنگی مسکن و بافت با محیط زیست روستایی مورد بررسی قرار گرفت. از این منظر موضوعاتی مانند همسازی معماری مسکن و بافت با محیط طبیعی و استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر طبیعی مانند باد، تابش و... یا استفاده از راهکارهای خلاقانه برای احتراز از آثار سوء عواملی مانند بادهای مضر، طوفان، گرما و سرمای شدید و ... که معمولاً در سیمای بافت و مسکن و نوع مصالح بومی مشاهده می‌شود مورد توجه بوده است.

جدول (۴): وجه زیست محیطی مسکن

درجه	تعداد استانها	نام استان
درجه اول	۸	یزد، آذربایجان شرقی، اصفهان، بوشهر، تهران، کردستان، سمنان، قزوین
درجه دوم	۶	خراسان، آذربایجان غربی، همدان، فارس، مازندران، هرمزگان
درجه سوم	۶	مرکزی، چهارمحال و بختیاری، زنجان، خوزستان، قم، کرمان
درجه چهارم	۸	کرمانشاه، گیلان، اردبیل، سیستان و بلوچستان، گلستان، لرستان، کهگیلویه و بویراحمد، ایلام

نتیجه بررسی‌های زیست محیطی نشان می‌دهد که هشت استان کشور در سطح اول، شش استان در سطح دوم، شش استان در سطح سوم و هشت استان در سطح چهارم قرار دارند (جدول ۴).

وضعیت کلی مسکن روستایی در شرایط کنونی

بررسی و مقایسه وجوه چهارگانه مسکن روستایی کشور نشان دهنده تفاوت قابل ملاحظه و معنادار در کیفیت و کمیت مکان و مسکن در استان‌ها است. در نگاهی کلی و جامع جمع‌بندی وجوه مذکور نشان می‌دهد فقط ۷ استان در شرایط نسبتاً مناسبی از کیفیت و کمیت مسکن مناسب قرار دارند (سطح اول). ۷ استان در سطح دوم، ۱۳ استان در سطح سوم هستند و یک استان بدلیل فاصله قابل توجه شاخص‌های آن نسبت به بقیه استان‌ها به تنهایی در آخرین سطح و یک گروه قرار گرفته است. خوشه‌بندی وضعیت کلی مسکن در استان‌های کشور در جدول ۵ نشان داده شده است.

جدول (۵): مقایسه خوشه‌بندی وضعیت کلی مسکن روستایی در استان‌ها

درجه	تعداد استانها	نام استان
درجه اول	۷	یزد، اصفهان، همدان، قزوین، تهران، مازندران، مرکزی
درجه دوم	۷	بوشهر، گیلان، آذربایجان شرقی، فارس، سمنان، چهارمحال و بختیاری، آذربایجان غربی
درجه سوم	۱۳	هرمزگان، خراسان، ایلام، زنجان، اردبیل، لرستان، خوزستان، کردستان، قم، کرمان، گلستان، کهگیلویه و بویراحمد، کرمانشاه
درجه چهارم	۱	سیستان و بلوچستان

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۱.

بر مبنای اطلاعات فوق بهترین وضعیت مسکن مربوط به استان یزد در مرکز کشور؛ و سخت‌ترین شرایط مربوط به سیستان و بلوچستان است. استان یزد از لحاظ وجوه برخورداری، کالبدی و زیست محیطی جزو استانهای گروه ۱ و به لحاظ وجه اقتصاد و معیشت مسکن در گروه ۲ قرار دارد. همچنین این استان از لحاظ برخورداری از امکانات رفاهی و آسایشی و وضعیت زیست محیطی بهترین موقعیت را در کشور دارد.

استان سیستان و بلوچستان در شرق ایران در هر چهار وجه اصلی مسکن در سطح چهار قرار گرفته و لازم است برنامه‌های توسعه مسکن آن در قالبی مجزا و ویژه مورد توجه قرار گیرد.

۴) جمع‌بندی و نتیجه‌گیری: ضرورت اتخاذ رویکرد محلی‌گرایی

واحدهای سکونتگاهی روستایی در ایران به تبعیت از تنوع ناحیه‌ای و منطقه‌ای عوامل محیط طبیعی - اکولوژیک از یک سو و درجه تأثیرگذاری نیروها و عوامل سیاسی و اجتماعی - اقتصادی از سوی دیگر برپا شده و شکل یافته است (سعیدی و

حسینی حاصل، ۱۳۸۸: ۵). بررسی پایداری مکانی و ویژگی‌های معماری بومی روستایی نشان می‌دهد استقرار روستاها و برپایی مسکن در تمام زمینه‌ها واجد الگوها و جزییاتی بوده که از پشتوانه حکمی، ویژگی‌های مکانی، باورها، تصورات مردم، و فناوری ساخت و ساز منطقه نتیجه گرفته شده است. چنین معماری که برگرفته از سنتها و آداب و رسوم زنده مردم بوده از چند دهه قبل و با هجوم فرهنگ بیگانه با محیط دچار آشفتگی و در مسیر فروپاشی قرار گرفته است و آنچه امروز در حال شکل‌گیری است خارج از چارچوب سنت‌های رایج، و به دور از حکمت مکانی و اصالت‌های محلی و منطقه‌ای است.

برخورداری از پشتوانه حکمت در معماری بومی به شکل‌گیری برخی ویژگی‌های مهم از جمله لحاظ نمودن نقش مکان، ارائه پاسخ‌های ساده و کارآمد به نیازهای انسانی و محیطی، مردم‌واری (انسانی بودن) همراه با هویت خاص مردمان آن منطقه در معماری شده است.

تغییر و تحولات اجتماعی و فرهنگی چند دهه اخیر باعث شده تا مدیریت محلی بومی فضا و معماری، و قواعد و قوانین آن که در سیری تاریخی شکل گرفته، تضعیف و بجای آن نوعی از سازماندهی مسکن که در همه مکان‌ها و مناطق مشابه هم و از طرف دیگر ناسازگار با محیط و شیوه‌های زندگی مردم است شکل گیرد. ارزیابی مصادیق معماری بومی و سنتی در استان‌ها نشان می‌دهد معماری بومی همانند علوم سنتی و دانش بومی، فعالیتی جامع و چند بعدی بوده که بنیان آن از طریق بودن در جامعه و تعامل با اجزاء تشکیل دهنده آن در سطوح مختلف شکل گرفته است، در حالیکه اقدامات امروز فاقد چنین پشتوانه حکمی است.

ترویج الگوهای جدید و بیگانه با زیست بوم، نادیده گرفتن بستر طرح و عدم تناسب آن با زندگی روستایی، و حاکمیت استانداردهای شهری و تعمیم آن به تمام نقاط کشور از مهمترین معضلاتی است که هم اکنون بوضوح در این حوزه مشاهده می‌شود. برون رفت از این وضعیت مستلزم اطلاع و آگاهی از حکمت زندگی روستایی است و در این مسیر آگاهی از ویژگی‌های مکانی و تأکید بر بوم‌گرایی می‌تواند به تولد مجدد و شکل‌گیری معماری برخاسته از متن و آشتی با ارزش‌های محلی کمک نماید.

باید توجه داشت تاکید بر محلی‌گرایی و بومی‌گرایی به منزله نفی نوآوری نیست بلکه هدف اصلی پرهیز از یکسان‌نگری و نادیده انگاشتن خصوصیات مکان و منطقه است. بر این اساس طراحی بافت و مسکن روستایی از آنجا باید آغاز شود که معمار پیام منطقه، مکان و بستر را درک کرده و با توجه به شرایط آن و پاسخگویی به نیاز مردم با نگرشی واقع‌گرایانه مبتنی بر اطلاعات محیط با بستر طرح تعامل نماید. بررسی و مقایسه وضع گذشته و موجود مسکن در روستاهای ایران، و ارزیابی کمیت و کیفیت شاخص‌های مسکن روستایی نمونه‌گیری سال ۸۲ و مقایسه با آنچه در حال انجام است نشان می‌دهد با توجه به تفاوت موجود بین مناطق مختلف کشور راه حل یکسان برای پاسخگویی به نیاز مسکن که رویکرد غالب برنامه‌ها است پاسخگو نیست و اتخاذ رویکردی منطقه‌ای و منطقه‌گرایی در سیاست‌های توسعه مسکن روستایی امری ضروری است.

Archive of SID

(۵) منابع

- آحوندی، عباس و حبیب الله طاهرخانی، (۱۳۹۰)، **نظام مدیریت و کنترل ساخت و سازهای روستایی در ایران (مشکلات و راهکارها)**، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های روستایی (مسکن و بافت)، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- افرخته، حسن، (۱۳۹۱)، **اقتصاد فضا و توسعه روستایی (مورد: ناحیه شفت)**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی تهران، سال اول، شماره ۱، پیاپی ۱، صص ۵۴-۳۹.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۶۹)، **مجموعه دستورالعمل‌های طرح‌های آماری**، اداره آمار اقتصادی، تهران.
- بخشی، زهرا، (۱۳۹۰)، **بررسی مشکلات استفاده کنندگان از اعتبارات مقاوم سازی مسکن روستایی**، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های روستایی (مسکن و بافت)، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، (۱۳۸۲)، **طرح آمارگیری شناخت ویژگیهای مسکن روستایی ۱۳۸۲ و ضوابط مربوطه**، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، (۱۳۸۴)، **برنامه راهبردی مسکن روستایی، طرح تدوین اسناد پشتیبان و برنامه مسکن روستایی در برنامه چهارم، معاونت امور مسکن و بازسازی، تهران**.
- پرتوی، پروین، (۱۳۸۲)، **مکان و بی مکانی رویکردی پدیدارشناسانه، هنرهای زیبا**، شماره ۱۴، صص ۴۰-۵۰.
- رشیدپور، لقمان و دیگران، (۱۳۹۰)، **بررسی نقش دست اندرکاران در رهیافت مدیریت**، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های روستایی (مسکن و بافت)، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- رفیعی، مینو، (۱۳۹۰)، **جایگاه مسکن روستایی در اقتصاد روستا**، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های روستایی (مسکن و بافت)، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- زرگر، اکبر، (۱۳۷۶)، **ویژگیهای عام معماری ایران**، صفة، شماره ۲۵.
- سرتیپی‌پور، محسن، (۱۳۸۸)، **بررسی تحلیلی وضعیت مسکن روستایی در ایران**، صفة، شماره ۴۹، صص ۶۰-۴۷.

- سرتیپی‌پور، محسن، (۱۳۸۹)، **خانه‌های روستایی ایران**، انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- سرتیپی‌پور، محسن، (۱۳۹۰)، **بیانیه**، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های روستایی (مسکن و بافت)، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- سعیدی، عباس و صدیقه حسینی حاصل، (۱۳۸۸)، **شالوده مکانیابی و استقرار روستاهای جدید**، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- سینگ، اس. ک.، (۱۳۹۰)، **مسکن روستایی و نهادهای تأمین مالی (مطالعه موردی: هند)**، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های روستایی (مسکن و بافت)، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- شفیعی دستجردی، الهام، (۱۳۹۰)، **بررسی عوامل مؤثر بر اجرای دولت الکترونیک در مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه**، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های روستایی (مسکن و بافت)، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- صابری‌فر، رستم و صدیقه قیصاری، (۱۳۹۰)، **عوامل تأثیرگذار بر موفقیت پروژه‌های بهسازی و ساخت خانه‌های روستایی**، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های روستایی (مسکن و بافت)، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- ضرابی، اصغر و طاهر پریزادی، (۱۳۹۰)، **برنامه‌ریزی مسکن روستایی کشور در قالب طرح جامع مسکن استان**، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی سکونتگاه‌های روستایی (مسکن و بافت)، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- طرح جامع مسکن، (۱۳۸۵)، **سند تحلیلی: جمع‌بندی مطالعات**، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
- مرکز آمار ایران، (۱۳۷۵ و ۱۳۸۵)، **فرهنگ سرشماری عمومی نفوس و مسکن**.
- Rapoport, A., (2005), **Culture Architecture and Design**, Locke science publishing company Inc, Chicago, USA.